

فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۶

معرفی و بازشناسی نسخه‌های خطی و سبک شاهنامه حیرتی تونی با نام کتیب معجزات^۱

دکتر علی دهقان^۲

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

چکیده

شاهنامه حیرتی تونی با عنوان کتیب معجزات از حماسه‌های کمیاب ادب فارسی است. این حماسه دینی در سال ۹۵۳ هجری، در بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف، به نام شاه‌طهماسب اول سروده شد. این منظومه در بیش از بیست هزار بیت، دربردارنده جنگ‌های پیامبر و بزرگان شیعه است. این اثر افزون بر اهمیت ادبی و مذهبی و تاریخی، برای شناخت بیشتر مذهب و ادبیات دوره صفویه بسیار سودمند است؛ همچنین واقعیت‌های مهمی از آغاز اسلام ارائه می‌کند. نسخه‌شناسان تاکنون نه نسخه خطی از این اثر معرفی کرده‌اند. با توجه به ویژگی‌هایی که بیان شد، معرفی و تصحیح دقیق این اثر بسیار اهمیت دارد. هدف این پژوهش معرفی نسخه‌های خطی و بررسی موضوع و سبک شاهنامه حیرتی است. در این جستار برای بررسی محتوا و ویژگی‌های سبکی این منظومه، چهار نسخه مهم آن در نظر

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۱۱

۱ تاریخ وصول: ۹۵/۱۱/۹

۲ a_dehghan@iaut.ac.ir

گرفته شد که در مقاله به ترتیب معرفی می‌شود. در این بررسی می‌توان دریافت سبک زبانی و ادبی ساده این اثر و شیوه تفکر تعصب‌آلود شاعر درخور اهمیت است. همچنین ویژگی‌های عمومی شاهنامه حیرتی، نماینده شیوه ادبی دوره صفوی است و احساسات مذهبی شاعر، بازگوکننده گفتمان حاکم در همان روزگار است. گفتنی است منظومه حیرتی در معرفی سیر اندیشه مذهبی و دگرگونی حماسه‌های دینی نقش مؤثری دارد.

واژه‌های کلیدی

نسخه‌های خطی، شاهنامه، کتیب معجزات، شیعه، حیرتی.

۱. مقدمه

تقی‌الدین یا تقی‌الدین محمد با تخلص حیرتی، شاعر شیعی مذهب، هم‌دوره شاه‌طهماسب اول صفوی (۹۳۰-۹۸۴ق) است. بیشتر تذکره‌نویسان او را اهل شهر تون دانسته‌اند؛ اما گاهی نیز به مرو و بخارا و ماوراءالنهر و کاشان نیز منسوب شده است. از دوران زندگی حیرتی اطلاع بسیاری در دست نیست. او بسیار سفر کرده و در شهرهای سمرقند و بخارا و مرو روزگار گذرانده است. با شاه‌طهماسب آشنایی داشته و چند بار با او را دیده است. حیرتی در اثر سخن‌چینی حسودان به خشم شاه گرفتار آمد و به مازندران گریخت. مدتی تحت تعقیب بود و به همین سبب به‌اجبار همواره در فرار و گریز دیده می‌شد. چندی بعد، قصیده‌ای در ستایش علی^(ع) سرود و با شفیع قرار دادن روح آن حضرت نزد شاه، اظهار پشیمانی کرد. شاه طهماسب بر سر لطف آمد و او را نزد خود خواند و توبه‌اش را پذیرفت. از آن پس اشعار بسیاری در مناقب اهل بیت سرود و تا زمان درگذشتش در کاشان از لطف شاه بهره‌مند می‌شد. محتشم کاشانی گفته است: مدتی در این فکر بودم که ماده تاریخی برای مرگ حیرتی بسازم، اما تاریخ نگفته خوابم برد. او را در خواب دیدم که دست به دامن شاه

ولایت زد؛ اما مولا با اکراه از او روی برگرداند و پشت آن حضرت سوارانی بسیار به‌سوی او تیغ برهنه کرده بودند. ناگاه دیدم شاه ولایت مرا به سوی خودش خواند و گفت:

برخی‌ز و شفاعت علی را تاریخ کن از برای ملا
کاین موجب رستگاری اوست تسکین‌ده بی‌قراری اوست
(یاحق، ۱۳۶۷: ۱۰۷)

نظریه‌های متفاوتی درباره‌ی زمان و علت مرگ حیرتی بیان شده است. برخی علت مرگ او را ظالمی می‌دانند که در سال ۹۷۰ هجری او را کشته است، اما در بیشتر تذکره‌ها، سال مرگ او ۹۶۱ هجری، در شهر کاشان و به سبب سقوط از بام آمده است. در تاریخ ادبیات ادوارد براون درباره‌ی علت مرگ او، این بیت آمده است:

«سال فوتش چو خواستم گفتند او به ماه صفر فتاده ز بام»
(براون، ۱۳۴۱: ۱۳۶)

حیرتی دیوان شعری نیز داشته است. گاه هجوهای نیز از او در کتاب‌ها دیده می‌شود؛ مانند هجو مردم قزوین که با این مطلع شروع می‌شود:

وقت آن آمد که آساید سپهر بی‌مدار چون زمین در سایه‌ات ای سایه‌ پروردگار
(گلچین معانی، ۱۳۴۶: ۴۳۶)

به شاهنامه حیرتی بیش از دیوان او توجه شده است و مورخان ادبی و نسخه‌پژوهان کمابیش آن را معرفی و وصف کرده‌اند که در ادامه به ترتیب تاریخی معرفی می‌شوند.

آقابرگ طهرانی در جلد نهم *النریعة الی تصانیف الشیعه* (۱۳۳۳ش) و محمدتقی دانش‌پژوه در مقاله «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات» (۱۳۳۹)، برخی از نسخه‌های کتیب معجزات یا شاهنامه حیرتی را معرفی کرده‌اند.

گلچین معانی در شهر آشوب در شعر فارسی (۱۳۴۶) به شاهنامه حیرتی توجه داشته است. در مقاله «یک پرده از زندگانی شاه طهماسب صفوی» (دانش‌پژوه، ۱۳۵۰) زندگی و

آثار حیرتی تونی گزارش می‌شود. در حماسه‌سرایی در ایران (صفا، ۱۳۶۳: ۳۸۳) و تاریخ ادبیات ایران (همو، ۱۳۷۳: ۵۸۸-۵۸۶) درباره حیرتی تونی و شاهنامه او به‌طور فشرده و کوتاه سخن می‌رود. در مقاله «حیرتی تونی شاعر اهل بیت» (یاحقی، ۱۳۶۷) از محتوای مذهبی شاهنامه حیرتی بحث شده است.

در مقاله «افتخارنامه حیدری (معرفی حماسه‌های دینی ایران)» نیز در چند سطر به زادگاه و مذهب حیرتی اشاره شده است (دبیری‌نژاد، ۱۳۸۰: ۸۷).

در مقاله «حماسه‌سرایی دینی در ادب فارسی» (شهبازی، بی‌تا: ۲۰۰) به نقل از مقاله یاحقی (۱۳۸۶) در دانشنامه زبان و ادب فارسی، به دوره نظم و منبع شاهنامه حیرتی اشاره شده است. مقاله «بررسی سبک‌شناسانه حماسه‌های دینی در ادب پارسی» (شمشیرگرها، ۱۳۸۹) به موضوع شاهنامه حیرتی (شرح غزوات پیامبر اسلام و زندگی ائمه) و تعداد ابیات آن اشاره شده است. نویسنده در آن مقاله، اثر حیرتی را به سبب وزن آن (بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف) با سایر حماسه‌های ملی و تاریخی و مذهبی متفاوت می‌داند.

در صفحات ۱۳۵ و ۱۳۶، جلد ۲۶ فهرست نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تعدادی از نسخه‌های کتیب معجزات (شاهنامه حیرتی) معرفی شده است.

یوسف بیگ‌باباپور شاهنامه حیرتی را تصحیح و با عنوان کتیب معجزات در فضائل و مناقب معصومین علیهم‌السلام و با همکاری کتابخانه مجلس شورای اسلامی به چاپ رسانده است (۱۳۹۴). اساس این تصحیح، نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس و کتابخانه دانشگاه تهران و کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی است.

شاید اگر این اثر به روش مناسب دیگری و با در نظر گرفتن همه نسخه‌های به‌دست‌آمده دوباره تصحیح شود یا در تصحیح پیشین آن بازنگری شود، از کنج کتابخانه رهایی یابد (نک: مصاحبه مصصح با خبرگزاری مهر در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۹۶).

پیش‌تر خانم رقیه زراعی (۱۳۹۲) در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، در پایان‌نامه دکتری

خود نیمی از کتیب معجزات را بر پایه چهار نسخه تصحیح کرده است. به جز مقاله دکتر یاحقی و دو تصحیح نامبرده، تحقیق مستقلی درباره شاهنامه حیرتی وجود ندارد.

۲. معرفی شاهنامه حیرتی (کتیب معجزات)

فردوسی در ایران با تعصبی ملی، حماسه‌سرایی را با سرودن شاهنامه‌ای با محتوای عشق به ایران و فرهنگ غنی آن بنیان نهاد. بعدها علایق مذهبی ایرانیان، این جنبش ملی را رنگی مذهبی داد؛ به طوری که حماسه‌های ملی در طول چند قرن، جایگاه خود را به حماسه‌های مذهبی دادند. «ساختن حماسه‌های تاریخی و دینی در سراسر عهد صفوی معمول بود و بسیاری از حماسه‌های فارسی از دو نوع تاریخی و دینی منسوب بدین دوره است» (صفا، ۱۳۵۶: ۲۷۵). این جریان چنان در این دوره حاکم بود که پس از آن در سیاست و فرهنگ پایدار شد. کمپفر در مقدمه سفرنامه خود به نقل از والتر هیتس می‌گوید: «ایران امروز از نظر سیاسی و فرهنگی بر همان پایه‌ای استوار است که سلاطین بزرگ صفویه در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی بنا نهادند» (جعفریان، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۳). در دوره صفویه وضع مذهبی ایران تثبیت می‌شود. بخش مهمی از متون عربی در این دوران به فارسی ترجمه شد که از آن جمله *مباهج المنهج فی منهاج الحجج* از قطب‌الدین کیدری، شارح *نهج البلاغه* است. حسن بن حسین شیعی سبزواری، عالم شیعی قرن ۸، این اثر را با عنوان *بهجة المباحج* ترجمه و تلخیص کرد. حیرتی تونی، شاعر قرن دهم هجری، پس از مطالعه این کتاب تصمیم گرفت شاهنامه‌ای منظوم از آن بیافریند. او «*بهجة المباحج* حسن بیهقی سبزواری را به دستور شاه طهماسب به سال ۹۵۳ به نام کتیب معجزات به نظم فارسی درآورد» (دانش‌پژوه، ۱۳۵۰: ۹۸۸)؛ به گونه‌ای که «توانست شاعری عدیل و نظیر ابن‌حسام خوافی

(م ۱۷۵)، صاحب دیوان معروف در منقبت و گوینده خاوران نامه باشد و قائم مقام آن گوینده نامبردار در سده دهم گردد» (صفا، ۱۳۷۳، ج ۵: ۶۲۳).

حیرتی در پایان شاهنامه خود، عنوان و تاریخ پایان آن را در ماده تاریخ «کتیب معجزات» (برابر با ۹۵۳) آورده است و تعداد ابیات آن را ۲۱۸۰۰ بیت برمی شمرد:

چو دانیان پی تاریخ اتمام	کمال سعی را دادند انجام
هم از اعجاز این ابیات فاخر	کتیب معجزات آمد به خاطر
از این معنی دل من فیض یاب است	که هم تاریخ و هم نام کتاب است
چو دل در فکر تعیین عدد شد	دوباره ده هزار و هشتصد شد

(حیرتی، بی تا: ۲۷۵ پ)

حیرتی «در سبب نظم کتاب» می گوید در همه عرصه های شعری با مهارت تاخته بودم و با سرودن رباعی و قصیده و غزل، سخن را به جایگاهی عالی رسانیده بودم، اما از مثنوی بی بهره بودم. در همین زمان، کاتبی از شیراز رسید و کتابی به رسم هدیه برایم آورد. بعد از مطالعه، به این فکر افتادم که اگر شاه بپذیرند، نظم زیبایی از این اثر بیافرینم. در همان زمان شاه طهماسب اجازه آن را داد:

که ناگه کاتبی آمد ز شیراز	چه کاتب قاصدی با نامه راز...
کتابش حجتی حاجت‌روایی	چو نام خویشتن بهجت‌فزایی...
کتابی سربه‌سر تاریخ و اقوال	ز حال مصطفی و حیدر و آل...
مرا حاصل شد از نامش نتایج	که جان را بهجتی بود از مباحج...
مرا با خود هنوز این گفت‌وگو بود	دل‌م در التماس و آرزو بود...
که صادر گشت امر حضرت شاه	که از پیدا و پنهان است آگاه
که این تاریخ را منظوم سازی	به نظم این نثر را مرقوم سازی...

(زراعی، ۱۳۹۲: ۹۰-۹۱)

حیرتی پس از کسب اجازه و با الگو قراردادن کتاب *بهجت‌المباحج*، این اثر را در بحر

خسرو و شیرین نظامی (هزج مسدس محذوف یا مقصور) به نظم کشید. او به این موضوع آشکارا در اثر خود اشاره کرده است:

... مرا رخصت به این خدمت چو می‌داد پی تلقین زبان بگشاد و ارشاد
نمود آن خسرو شیرین عبارت به بحر خسرو و شیرین اشارت

(همان: ۶۰)

متن کتیب معجزات با عنوان «افتتاح نامه به نام فتّاحی که نام باکرام او فاتحه ابواب خیر است و ساحت ملک الوهیتش مصون از مشارکت غیر» آغاز می‌شود. پس از مناجات و ستایش پیامبر^(ص) و امام زمان^(عج) و مناجات و مدح شاه‌طهماسب، سبب نظم کتاب بیان شده است. این کتاب چهل و چهار فصل زیر را در بر می‌گیرد: فصل اول در ذکر بعضی از علامات نبی علیه التحیه والسلام؛ فصل ثانی در بیان بعضی دلایل پیغمبر علیه‌السلام، فصل ثالث در ذکر تزویج خدیجه محترمه، فصل چهارم در تزویج خیرالنسا صلوات‌الله‌علیها، فصل پنجم در ذکر نوم امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بر مقام نبی علیه‌السلام، فصل ششم در معجزات نبی^(ص) است و ۲۹ معجزه را در بر گرفته است: معجزه اول و دوم و سیم و چهارم و پنجم روایت کرد از عبادة بن عبادة بن صامت که...؛ معجزه ششم و هفتم و هشتم صاحب دلایل آورده باسناد از عبادة بن ولید بن عبادة...؛ معجزه نهم روایت کرد باسناد از ابی‌رافع از عمر علیه...؛ معجزه دهم (بدون عنوان موضوع)؛ معجزه یازدهم روایت است از ابن‌عباس که گفت...؛ معجزه دوازدهم روایت است به اسناد از اسامة بن زید که گفت...؛ معجزه سیزدهم روایت است به اسناد از انس بن مالک؛ معجزه چهاردهم روایت کرد معرض بن عبدالله بن معرض...؛ معجزه پانزدهم تا نوزدهم بدون عنوان موضوع، معجزه بیستم روایت کرد به اسناد عکرمه از ابن‌عباس...؛ معجزه بیست‌ویکم روایت است از ابی‌عالیه؛ معجزه بیست‌ودوم روایت کرد به اسناد از ابوایوب انصاری؛ معجزه بیست‌وسیم نقل است از ام‌سلمه رضی‌الله‌عنهما؛ معجزه بیست‌وچهارم روایت کرد به اسناد از پیغمبر از...؛ معجزه بیست‌وپنجم روایت کرد به اسناد از ابی‌جارود از...؛ معجزه بیست‌وششم روایت است از جابر جعفی؛

معجزه بیست‌وهفتم روایت کرد به اسناد از جعفر صادق^(ع) از...؛ معجزه بیست‌وهشتم روایت کرد خواجه ابوجعفر به اسناد از معین بن عینیه از...؛ معجزه بیست‌ونهم روایت کرد به اسناد از ابی‌امامه؛ فصل هفتم در غزای عظمی بدر؛ فصل هشتم در غزای أحد؛ فصل نهم در غزای ذات‌الرقاع؛ فصل دهم در غزای خندق؛ فصل یازدهم در غزای خیبر؛ فصل سیزدهم در غزای ذات‌السلاس؛ فصل چهاردهم در خطبه که نبی^(ع) ادا فرمود در حق امیرالمؤمنین علی^(ع) در غدیر خم؛ فصل پانزدهم در ذکر عقبه؛ فصل شانزدهم در ذکر نص پیغمبر^(ص) بر امامت دوازده امام^(ع)؛ فصل هفدهم در ذکر ولادت امیرالمؤمنین علی^(ع)؛ فصل هجدهم در معجزات امیرالمؤمنین، معجز اول روایت کرد خواجه ابوجعفر قمی به اسناد متصل از اصعب بن بنانه که شامل ۳۹ معجزه است. فصل هجدهم در بعضی قضایای امیرالمؤمنین^(ع) است که ۴۰ قضیه از قضاوت‌های امام علی^(ع) را در بر می‌گیرد. قضیه چهارم با ۷ بیت کوتاه‌ترین و قضیه دوازدهم با ۱۵۲ بیت، طولانی‌ترین آن‌هاست.

بقیه فصل‌هایی که عنوان آن‌ها در نسخه شماره ۹۷۴ کتابخانه مرکزی تبریز پاک نشده، عبارت است از: فصل‌های ۲۱ در ذکر جماعتی که انکار ابی‌بکر خواستند؛ ۲۲ در ذکر فدک؛ ۲۳ در ذکر اصحاب شوری در حین مردن عمر؛ ۲۴ در انکار مسلمانان عثمان را؛ ۳۵ در ولادت باسعادت حضرت امام جعفر صادق؛ ۳۶ ولادت حضرت امام موسی؛ ۳۸ ولادت ابی‌جعفر محمد علی؛ ۳۹ ولادت ابوالحسن علی بن محمد نقی؛ ۴۰ ولادت ابی‌محمد حسن عسکری؛ ۴۱ ولادت حجت‌الله قایم؛ ۴۲ در بعضی معجزات و فضایل او؛ ۴۳ در وقت خروج او بعضی از علامات که ظاهر می‌شود پیش از ظهور او علیه السلام؛ ۴۴ در بعضی از صفات و منازل او.

۳. معرفی نسخه‌ها

از کتیب معجزات نسخه‌های خطی به صورت اصلی و میکروفیلم با مشخصات زیر در دست است:

۱. نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۵۱۳۳ که به تاریخ ۹۶۳ق به خط اسدالله ابن‌المحمد الکاشانی، به زبان فارسی و خط نستعلیق در ۳۰۴ برگ نوشته شده است. این نسخه که به گفته دکتر یاحقی (۱۳۶۷: ۱۱۴) کامل‌ترین و قدیمی‌ترین نسخه است، در تاریخ ۹۶۳ قمری یعنی دو سال بعد از مرگ شاعر و ده سال پس از سروده شدن نوشته شده است. ویژگی‌های دیگر این نسخه عبارت است از «مجدول ۲۹۷ برگ ۱۹ سطر (۱۳×۱۹)، اندازه ۲۷×۱۹/۵» (درایتی، ۱۳۹۰، ج ۲۶: ۱۳۶).

در تصحیح به نسخه‌ای که به زمان حیات شاعر نزدیک‌تر است و غلط‌های کمتری دارد، توجه و اعتبار بیشتری داده می‌شود. نسخه شماره ۵۱۳۳ به سبب داشتن این شرایط، با داشتن اصالت و صحت، افتادگی‌های کمتری نیز دارد.

از ویژگی‌های شیوه نگارش زمان نوشتن این اثر آن است که در هنگام نوشتن حرف «ش»، نقطه را به جای بالای حرف «س» در زیر آن قرار می‌دادند. در این نسخه هر جا حرف «س» بر پایه قاعده خط نستعلیق، بدون دندان نوشته شده، سه نقطه زیر آن قرار گرفته است. شاید این کار برای زینت باشد.

گاهی غلط‌های املائی اندکی نیز در نسخه دیده می‌شود؛ مانند کثافت، برخاست و خرد در ابیات زیر:

تن ما از کسافت رسته باشد	به روح اهل جنت بسته باشد
عمر برخواست چون بوپکر بنشست	شد او هم از همان جام سخن، مست
زن و مرد و بزرگ و خورد مردم	برون آیند همچون ماه و انجم

(حیرتی، ۹۷۵: ۳۶پ)

۲. نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی به شماره میکروفیلم ۱۳۵۴۱ در تاریخ ۹۶۳ هجری نوشته شده است. نام کاتب نامشخص است و به خط نستعلیق در ۲۸۷ برگ ۲۰ سطری نوشته شده است. گاه غلط املائی نیز در نسخه دیده می‌شود.

۳. نسخه کتابخانه مجلس شورای ملی به شماره میکروفیلم ۱۳۵۰۷ که ابراهیم زرگر آن را در تاریخ ۹۷۲ هجری، در ۳۲۶ صفحه نوشته است. خط این نوشته نیز نستعلیق است. این نسخه نسبت به نسخه‌های موجود دیگر نامنظم‌تر است و تفاوت‌های آشکاری نیز با نسخه‌های دیگر دارد. بسیار دیده می‌شود که چند بیت پس و پیش شده یا اصلاً نوشته نشده است و یا بعد از نوشتن یک صفحه، کاتب دریافته بیتی جا افتاده و آن را حاشیه‌نویسی کرده است. این نسخه نیز مانند نسخه‌های دیگر مجدول نیست و ابیات آن در زیر هم نگاشته شده‌اند.

جلد این نسخه تیماج مذهب است و صفحات آن ۱۷ سطر چهار ستونی به اندازه ۲۵×۱۶ دارد.

۴. نسخه کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به شماره میکروفیلم ب-۲۵ که ویژگی‌های زیر را دارد: «خط نسخ خوش، عبدالوهاب بن ابوالمکارم حجازی در ۸ محرم ۹۸۱، عنوان زر و لاجورد، جدول زر و لاجورد و شنگرف، صفحه یکم و دوم زرباشی شده، کاغذ سمرقندی، آهار مهره، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی مقوایی» (دانش پژوه، ۱۳۳۹).

این نسخه مجدول، سرلوح کاغذ سمرقندی دارد و جلد آن تیماج است؛ ۲۶۸ برگ ۲۱ سطری (۲۳×۱۴) در اندازه ۳۴×۲۳ دارد (درایتی، ۱۳۹۰، ج ۲۶: ۱۳۵).

نسخه اخیر از نظر زیباشناختی برتر از سه نسخه دیگر است. نظم این نسخه در مقایسه با نسخه‌های دیگر کاملاً آشکار است. کاتب این نسخه بسیار خوش‌خط‌تر از کاتبان دیگر است. البته نادرستی‌های املائی متعددی نیز در این نسخه دیده می‌شود.

پنج نسخه دیگر از کتیب معجزات وجود دارد که بسیاری از ابیات آن‌ها افتاده است و آسیب‌دیدگی فراوانی دارند؛ البته از نظر سایر ویژگی‌ها به بقیه نسخه‌ها شباهت دارند. نام آن نسخه‌ها عبارت است از:

۵. نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، از مجموعه کتابخانه ثقة الاسلام تبریز، تاریخ

نگارش: ۸ شعبان ۹۶۳، کاتب: حسین بن حسن.

۶. نسخه کتابخانه بزرگ آیت‌الله مرعشی نجفی، قم، تاریخ نگارش: ۷ شعبان ۹۶۳، کاتب: حسین بن حسن حسینی مداح، شماره دستیابی ۱۳۳۳، شامل ده هزار و هشتصد بیت، «مجدول دارای سرلوح جلد تیماج، ۲۹۷ برگ ۱۹ سطری به‌اندازه ۲۱×۵/۲۸» (همان: ۱۳۶).
۷. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۴۶۰، تاریخ نگارش: سده ۱۱، به خط نستعلیق. این نسخه آسیب دیده است و کاتب آن معلوم نیست.
۸. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۷۷۵۲، کاتب و تاریخ نگارش ندارد (همان).

۹. نسخه کتابخانه علامه طباطبایی شیراز به شماره ۱۴۳۱، به خط نستعلیق، کاتب: اسدالله محمد کاشانی، تاریخ نگارش: ۹۵۳ قمری، با سرلوح مذهب مجدول، اندازه ۲۸×۱۹/۵ (همان: ۱۳۵).

۱۰. نسخه کتابخانه مرکزی تبریز به شماره ۱۱۸۸، با قطع رحلی و تاریخ نگارش ۹۷۴ قمری که کاتب آن محمدباقر نام دارد. صفحات پیش از فصل اول این نسخه، به‌جز یک برگ، افتاده است.

۱۱. نسخه کتابخانه مرکزی تبریز به شماره ۱۲۱۳، قطع وزیری، تاریخ نگارش و نام کاتب ندارد. این نسخه دو جلد بوده که فقط جلد دوم آن در کتابخانه تبریز موجود است.

۴. سبک حیرتی در شاهنامه کتیب معجزات

۴-۱. ارزش ادبی

برخی از تاریخ‌نویسان و پژوهشگران، ادبیات عصر صفویه را جزو ادبیات فرومایه به شمار می‌آورند. البته این دیدگاه درباره همه ادیبان و نویسندگان دوره صفوی نیست. از آن جمله شاعر بزرگ این دوران، صائب تبریزی است که جزو شاعران بی‌مانند ادب فارسی است و از درون همین دوران رکود اوج گرفت. این دیدگاه درباره متون نثر این دوره بیشتر صادق

است؛ زیرا نثر این دوران سبکی پیچیده دارد؛ به گونه‌ای که حتی سبک پیچیده دوره‌های نادری و زند و قاجار از این دوران تأثیر پذیرفته‌اند. در برابر این نثر پیچیده، نظم‌ی روان و آسان مشاهده می‌شود. شاعران این دوران، انواع شعر را تجربه کرده‌اند. البته قصاید مدحی و پندنامه‌های اخلاقی و داستانی و توصیف دلاوری و زیبایی در دوره صفوی کم‌رنگ شد و شاعران به توصیف و ستایش امامان و به‌ویژه پیامبر اسلام^(ص) توجه کردند. «از اوایل عهد صفویه، نظم حماسه‌های دینی در بیان منقبت‌ها و معجزه‌ها و پیروزی‌های پیامبر بزرگ اسلام و بزرگان مذهب شیعه رایج بود و روایت‌های، خواه تاریخی، خواه داستانی، خواه پهلوانی استفاده می‌شد که رونقی به این قبیل منظومه‌ها می‌داد. آثار منظوم این عصر، بیشتر مذهبی و بر پایه دیانت استوار گردید» (دبیری‌نژاد، ۱۳۸۰: ۸۶).

شاهنامه حیرتی از نظر نوع ادبی اهمیت بسیاری دارد و «از جمله حماسه‌های کمیاب و نادرالوجود ادب فارسی است» (همان: ۸۷)؛ (نک: صفا، ۱۳۶۳: ۳۸۳).

شاهنامه حیرتی جزو چند اثر مهم و پرحجم دوره خود است. حیرتی از میان این حماسه‌های ملی و تاریخی و دینی، به شاهکار فردوسی توجه داشته و اثر خود را در برابر شاهنامه به نظم کشیده است. او شاهنامه خود را برتر از شاهنامه فردوسی می‌داند؛ زیرا در نظر او سروده‌اش به نام شاه دین است:

ز روی راستی شهنامه این است	چو نظم من به نام شاه دین است
به نام شاه باید شاهنامه	به مدح شاه باید راند خامه
در این از مصطفی و آل اطهار...	دگر آنجا ز کفار است گفتار
کلام او همه حرف و حکایت...	تمام این، حدیث است و روایت

(زرعی، ۱۳۹۲: ۸۸)

او برای این ادعا دلایلی نیز در خاتمه منظومه‌اش بیان کرده است. البته چنانچه خود می‌گوید، این مقایسه بر پایه موضوع اثر اوست و این «کتاب بااهمیتی که در تاریخ ادبیات

به‌ویژه در میان منظومه‌های مذهبی پیدا کرده است، از حد یک نظم متوسط فراتر نمی‌رود و هرگز نمی‌توان آن را با حماسه جهانی استاد طوس مقایسه کرد» (یاحقی، ۱۳۶۷: ۱۱۴).

۲-۴. وزن و موسیقی

مطابقت وزن شعر با روح شاعر از مسائل مهم نقد شعر است؛ زیرا عواطف درونی شاعر در انتخاب وزن شعر تأثیر می‌گذارد. حیرتی برای سرودن این مثنوی از وزن عروضی «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» استفاده کرده است. کتیب معجزات، یک شاهنامه دینی است و این وزن برای سرودن شاهنامه به کار نمی‌رود. سکون‌های ارکان عروضی این وزن بر پویایی کلام در مثنوی حیرتی تأثیر می‌گذارد؛ «هرچه تعداد سکونات و مصوت‌های بلند در بیت بیشتر باشد، از میزان تحرک و پویایی وزن کاسته می‌شود و از تأثیر موسیقایی بر خواننده می‌کاهد؛ زیرا وزن را به نرمی و لطافت نزدیک می‌کند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۹۵).

شاعر در انتخاب وزن به منظومه خسرو و شیرین نظامی توجه داشته است. او در ابیات پایانی کتاب به این موضوع اشاره می‌کند. شاید تنها تشابه این دو اثر، داستانی بودن آن‌هاست؛ زیرا از نظر محتوا و مفهوم، هیچ اشتراکی ندارند.

نکته دیگر درباره موسیقی بیرونی این اثر، استفاده از وزن مسدس است. وزن شناخته‌شده برای شاهنامه، بحر مقارب مثنی است. رکن «فعولن» لحنی تند و باب‌هت دارد و شایسته استفاده در حماسه‌های تند و کوبنده است. اثر منظور باید هم بار کوبنده حماسی و هم بار لطیف و ملایم و تأثیرگذار دینی و اعتقادی داشته باشد. به سبب جمع این دو موضوع، ناگزیر باید وزنی گزینش شود که این رسالت را بتواند بر عهده بگیرد. حیرتی تونی، این توان را در بحر هزج یافته و آن را بهترین وزن برای سرودن این مثنوی دانسته است.

خدا داند که این نظم چو گوهر نمی‌آمد برون از بحر دیگر
(زراعی، ۱۳۹۲: ۶۰)

حروف قافیه تأثیری شگرف و انکارنشده‌ای در غنای موسیقی شعر دارد. «کسالت و

یکنواختی حاصل از موسیقی یکسان در بعضی از انواع شعر، از جمله مثنوی که طولانی هستند به وسیله قافیه از بین می‌رود و به نوعی، ذهنیت خواننده نسبت به یکنواختی موسیقی شعر عوض می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۳۹۱). وجود لطافت و خشونت قافیه‌ها نشان‌دهنده عواطف و روحیات شاعر است. البته قافیه در شعر، باعث آرامش شنونده و حتی خود شاعر می‌شود.

تأثیر هجای پایانی قافیه در شعر بسیار مهم است. جذبه موسیقایی واک پایانی اهمیت بسیاری دارد؛ اگر از حروف کوتاه تشکیل شده باشد، انتهای شعر در حالت بریده و کوتاه تمام می‌شود و در شعر، خلأ می‌آفریند؛ اما مصوت‌های بلند، جذبه موسیقایی بهتری دارند و احساسی دلپذیر در خواننده ایجاد می‌کنند.

در کتیب معجزات، شمار مصوت‌های بلند و کوتاه در جایگاه قافیه مصراع‌ها کمابیش برابر است. شاعر می‌کوشد مصوت‌های بلند را به‌طور یکسان در متن ابیات پراکنده کند. شمار مصوت بلند «ا» بیش از دو مصوت دیگر (او، ای) است. در میان صامت‌ها، حروف «ر» و «ن» و «ت» و «د» بیش از حروف دیگر در جایگاه قافیه قرار گرفته‌اند.

اسم و صفت، بسیار بیشتر از فعل در نقش قافیه مشاهده می‌شود. افعالی که حروف قافیه را در خود جای داده‌اند، بیشتر افعال ساده‌اند. افعال مرکب در جایگاه قافیه کم مشاهده می‌شود. افعال ساده‌ای مانند داری، می‌گذاری، ندارم، بستم، شکستم، می‌سود، دیدند، می‌کشیدند... و افعال مرکبی مانند ساز کردند، ادا کردند، ابتدا کرد، روان شد، فوت گردید، گذر کرد، نظر کرد... و افعال پیشوندی مانند درافتاد، بر زد، درآمد، برآشت... و گروه‌های فعلی مانند دست از جان فشاندن، کلمه قافیه قرار گرفته‌اند. میانگین قافیه‌های اسمی و فعلی کمابیش برابر است. در این اثر به‌سختی ابیاتی می‌توان یافت که قافیه‌اش ضمیر باشد.

حیرتی کوشیده است تا اندازه ممکن با بسنده کردن به قافیه از ردیف استفاده نکند؛ اما ضمیر و حرف در جایگاه ردیف اشعار او بسیار کاربرد یافته است؛ ضمیر «ما» و حرف «را»

بیشترین کاربرد را دارد. افعالی مانند کرد، شد، بود، گشت که در زبان فارسی پرکاربرد هستند، بسیار در جایگاه ردیف دیده می‌شوند.

حیرتی توانسته است با رعایت تناسب و کاربرد انواع جناس و کلمات مترادف و تکرارها، به خوبی به شعر خود نظام بخشد و موسیقی درونی شعر خود را تقویت کند. موسیقی معنوی در کتیب *معجزات* در ترکیبات ابتکاری و ناب، کمتر مشاهده می‌شود.

۳-۴. سبک فکری

پیش‌تر بیان شد کتیب *معجزات* وصف معجزات پیامبر اسلام و کرامات امام نخست شیعیان و غزوات و دلاوری‌های آنان است که حیرتی آن‌ها را با لحنی حماسی به نظم کشیده است. او شیعی متعصب بود. افزون بر جهت‌گیری در بیان داستان‌ها، در عنوان‌های بخش‌های مختلف شاهنامه، از ائمه اهل سنت و خلفای دوم و سوم با واژه‌های نشان‌دار یاد کرده است؛ مانند:

۱. «فصل شانزدهم در ذکر نص پیغمبر^(ص) بر امامت دوازده امام علیهم‌السلام... از... از... از... از... از ابی حنیفه کوفی علیه اللعنة از...».

۲. «معجزه بیست‌وسیم فضل بن شادان در کتاب نقص بر این کرام آورده که روایت کرد عثمان علیه... از...».

۳. «قضیه هجدهم روایت کردند عبدالله عمر و عبدالله زبیر و عبدالله مسعود که در ولایت عمر علیه...».

۴. «قضیه بیست‌وچهارم روایت کرده‌اند که در عهد عمر علیه...».

حیرتی در نقل داوریه‌های امام علی^(ع)، ایشان را قهرمان گشودن مسائلی قرار می‌دهد که به خلیفه دوم واگذار شده است و خلیفه درباره آن‌ها درست داوریه نکرده یا در گشایش آن‌ها درمانده است. در این روایت‌ها، حکم خلیفه برای مجازات یک متهم، مبتنی بر سادگی و زودباوری است و در برابر آن، تشخیص حق و باطل، به نبوغ و تیزهوشی و غیب‌دانی امام علی^(ع) وابسته است. با تأمل در چگونگی این روایات به قدرت زبان در بازتولید گفتمان

حاکم در این گونه گزاره‌ها می‌توان پی برد.

دقت در معنی و محتوای اشعار نشان می‌دهد در این حماسه دینی جلوه‌هایی از عشق مجازی نمود یافته است. قالب مثنوی این منظومه موجب می‌شود که ناظم آن به آسانی نتواند به قلمرو محتوایی غزل وارد شود؛ اما به سبب عشقی که حیرتی به پیامبر و امامان شیعه دارد، گاه احساسات لطیف و رقیق خود را چاشنی مثنوی می‌کند.

۴-۴. سبک زبانی

الف. سادگی زبان

در شاهنامه حیرتی کنایه‌ها و استعاره‌ها اندک و تکراری و ترکیب‌های اضافی نیز قالبی (کلیشه‌ای) هستند؛ جناس و تضاد و برخی صنایع ادبی آن نیز بسیار ساده‌اند. افزون بر این نکته‌ها زبان نظم حیرتی به شیوه عامیانه نزدیک و از هنر شعری دور است. مناجات صفحات نخستین کتیب معجزات نمونه‌ای از این سبک را نشان می‌دهد:

الهی از دل من بند بردار	مرا در بند چون و چند مگذار
الهی ساز آسان مشکلم را	نما راهی به ملک جان دلم را
الهی قوت گویایی‌ام ده	درین ره فرصت جویایی‌ام ده
عزیزی اینچنین‌ام خوار مگذار	به لطف از راه من این خار بردار
درین گفتن زبانت را روان کن	سراپای روانم را زبان کن
... مرا بی‌یار و بی‌غمخوار مگذار	به رحمت از دلم این بار بردار
... به من خضر کرم همراه گردان	به گفت و گو رهم کوتاه گردان
نشان ره ده از خط نجاتم	دمی آبی ده از شط فراتم

(زرعی، ۱۳۹۲: ۶۴)

ب. سبک ویژه در آوردن آیات

شمار حدیث و آیه در این اثر بسیار است و آن به سبب بافت درونی اثر است. این احادیث و آیه‌ها صورت ظاهری ویژه‌ای به کتیب معجزات داده است که به تمایز و برتری

آن نسبت به آثار هم‌ردیف آن انجامیده است.

شیوه آوردن آیات نیز در این اثر بی‌مانند است. شاعر در ضمن بیتی به آیه‌ای اشاره می‌کند؛ اما بدون تلمیح، تضمین یا درج، پس از تمام‌شدن بیت، اصل آیه را می‌آورد. البته از شماره آیه و سوره نشانی نمی‌دهد:

«پیمبر هم روان این آیه برخواند ز درج لعل خود این گوهر افشاند
«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ [بقره: ۲۰۷]» (حیرتی، ۹۷۴: ۳۱).

«رسیده بود ایشان نارسیده پیمبر بود این آیت شنیده
«الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ [آل عمران: ۱۹۱]» (همان)
همه آیات زیر (۱۹۲ تا ۱۹۵ آل عمران) نیز در ذیل بیت بالا آمده است. در متن، شماره‌ای برای آیات نیامده و نگارنده مقاله آن‌ها را افزوده است:

«رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» (آل عمران: ۱۹۲)؛ «رَبَّنَا
إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا
وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ» (همان: ۱۹۳)؛ «رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ
لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (همان: ۱۹۴)؛ «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ
أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ...» (همان: ۱۹۵).

«ز مرد و زن غرض اینجا خدا را علی باشد سر مردان و زهرا
چنین گفتند این را معنی راست که زهرا از علی و او ز زهراست
«فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ
سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ

[آل عمران: ۱۹۵] (حیرتی، ۹۷۴: ۳۱).

گاهی بدون ذکر آیه یا حدیث، عبارتی عربی را در پایان بیت در جایگاه خبر و به صورت نثر می‌آورد؛ سپس بدون آنکه به شیوه نظم اشعار پایبند باشد، دوباره بیت بعدی را ذکر می‌کند؛ به گونه‌ای که خواننده در نگاه نخست گمان می‌برد آن عبارت عربی، عنوان ابیات بعدی است؛ مانند:

«چو برگشت از پی رفتن فرشته میان هر دو کتف او نوشته
محمد رسول الله علی ولی الله» (همان: ۱۵پ)

«روایت کرده‌اند از زید ارقم که چون آهو پرست از قید خرم
دوان میرفت و با خود راز می‌گفت شنیدم اینکه با آواز می‌گفت
لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله» (همان: ۳۳).

گاهی بخشی از آیه را به عبارت دلخواه خود پیوند می‌زند؛ چنان‌که همه عبارت عربی یک گزاره واحد به نظر می‌رسد:

«به سوی آن سه تن آنگاه رو کرد به این آیت بدیشان گفت و گو کرد
اکفرتم بعد ایمانکم انا یوسف بن کعب صاحب اخدود» (همان: ۳۷)

بخش نخستین عبارت بالا از این آیه گرفته شده است: «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهُ وُجُوهُ
فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» (آل
عمران: ۱۰۶).

۵-۴. سبک بلاغی

الف. انسجام

حیرتی برای کتیب معجزات، قالب شعری مثنوی را برگزیده است؛ زیرا برای این منظومه بلند، قالبی جز مثنوی مناسب نیست. صورت روایی و داستانی این اثر به انسجام آن انجامیده است و آوردن حدیث و آیه در متن، این انسجام را استوارتر کرده است. بعضی موضوعات

در این اثر به‌طور گسترده توضیح داده شده است و برای جداکردن آن‌ها از یکدیگر، عنوان‌ها در همه نسخه‌ها جدا شده‌اند.

حیرتی هر جا شرایط را مناسب می‌بیند، به دشمنان بزرگان شیعه ناسزا می‌گوید. او در این اثر بر پایه مستندات، حوادث تاریخی را در اوایل دوره اسلامی بیان می‌کند. به همین سبب نوعی ارتباط ظریف معنایی بین ابیات و اشعار قسمت‌های مختلف دیده می‌شود که نشان‌دهنده وحدت محتوایی کتیب *معجزات* است؛ گفتنی است صنایع بدیع معنوی نیز از عواملی هستند که در ایجاد یک شکل استوار درونی در کتیب *معجزات* مؤثر هستند.

ب. عاطفه

حالات عاطفی و روحی مانند خشم و نفرت، عشق، تعجب، شادی، اندوه و... تاروپود شعر حیرتی را تشکیل می‌دهد. عاطفه از دیدگاه ادبی «زمینه درونی و معنوی شعر است، به اعتبار کیفیت برخورد شاعر با جهان خارج و حوادث پیرامونش، به طوری که نوع عواطف هر کس، سایه‌ای است از من او» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۷). هریک از این حالات عاطفی با توجه به روحیات شاعر می‌تواند باعث انتخاب واژه‌ها، ترکیبات، تعبیر، صور خیال و موسیقی شود که نتیجه آن، ایجاد سبک شخصی هر شاعر است.

عواطف روان حیرتی مانند رودی خروشان در کتیب *معجزات* جریان دارد. گاهی این رود با ملایمت در مسیر خود به پیش می‌رود و گاهی در مسیر خود به ناملایمات برمی‌خورد و نشان آن را در واژه‌ها و تعبیر و تصاویر می‌توان مشاهده کرد. احساس و عاطفه در همه‌جای این اثر یکسان نیست. شاعر بنابر فضای اشعار و اتفاقات و شخصیت‌های روایت و به تناسب موقعیت‌های گوناگون و هیجانی، بازتاب عواطف خود را از دل به کلمات هدایت می‌کند. نکته مهم، شیوه‌هایی است که شاعر برای انتقال این عواطف از آن‌ها بهره می‌برد؛ چنان‌که در شواهد زیر گاهی عواطف خود را غیرمستقیم و گاهی نیز از زبان خود و به‌طور مستقیم بیان می‌کند که بازتابی از «من» انسانی و بشری اوست. شاعر در

نمونه‌های زیر شگفتی، اندوه، محنت، شرم و خجالت، شکایت، تفاخر و ندامت خود را به‌طور ساده و مستقیم آشکار می‌کند:

نه نقصان ذات او را نه زوالی	تعالی‌الله چه ذات بر کمالی
	(زرعی، ۱۳۹۲: ۶۷)
چرا بر حالت خود خون نگریم	چو گلبن غرق خونم چون نگریم
	(همان: ۷۰)
سری افکنده از خجالت به پیشم	به پیش افکنده سر در فکر خویشم
	(همان)
سگ نفس است دامنگیر جانم	چه سان بر فعل بد دامن فشانم
	(همان: ۷۲)
چو سویت نیست اصلاً روی و راهم	ازین وجهت وجه روسیاهم
	(همان: ۷۱)
به اصناف سخن دمساز گشتم	ز صنف خویشتن ممتاز گشتم
	(همان: ۸۸)

ج. صور خیال

خیال و صورت‌های آن پایه و ستون شعر است؛ چنان‌که «اگر از هر شعر مؤثر و دل‌انگیزی جنبه خیالی آن را بگیریم، جز سخنی ساده و عادی که از همه کس قابل شنیدن است، چیزی باقی نمی‌ماند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۵).

شاید داستان عشق خدیجه به پیامبر اسلام^(ص) غنایی‌ترین بخش منظومه حیرتی است؛ اما چنان‌که در ابیات برگزیده زیر دیده می‌شود، شاعر در توصیف دیدار خدیجه با پیامبر و گفتگوی عاشقانه آن‌ها توانا نبوده است. اگر این با هنر توصیف فردوسی از دیدار زال و رودابه و سایر داستان‌های عاشقانه شاهنامه مقایسه شود، باید نظم حیرتی را یک گزارش ساده به شمار آورد. حیرتی فصل سوم کتیب معجزات را به «ذکر تزویج خدیجه محترمه»

اختصاص داده است. ابیات زیر برگزیده‌ترین بخش‌های آن داستان است:

خدیجه جا به بالاخانه‌ای داشت	به جمعی در میان افسانه‌ای داشت
زنان قوم آنجا جمع بودند	که از مه گوی خوبی می‌ربودند
چو آمد میسره سوی خدیجه	حدیث سود می‌گفت و نتیجه
خدیجه با ادای روح‌پرور	ازو پرسید احوال پیمبر
به وصفش میسره هر سو زبان شد	روان با صد زبانش مدح خوان شد
همه سودا و سود از همت اوست	جهان سیراب ابر رحمت اوست
خدیجه چون شنید آن گفت و گو را	عجایب حالتی رو داد او را
درین حالت نبی از در درآمد	مگر گفتی مه انور برآمد
خدیجه روی او چون دید برخاست	به او کرد این سخن آغاز بی‌خواست
که ای آنکس که چون تو در جهان نیست	تو را هرگز مگر میل زنان نیست
بگفتا هست میل بی‌شمارم	ولیکن چون کنم مالی ندارم
خدیجه گفت بهر کدخدایی	به من از مهر رغبت می‌نمایی
نبی فرمود تزویج تو خواهم	ولی وقتی که دستوری دهد عم
خدیجه گفت از عم خواه دستور	که من با تو خوشم چون دیده با نور

(حیرتی، ۹۷۴: ۶پ)

صورت‌های خیال (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) به‌کاررفته در شاهنامه حیرتی ساده و از تازگی و زیبایی بی‌بهره است؛ به بیان دیگر بیشتر این تصاویر تکراری و قالبی است. البته گاهی تعبیری نو مشاهده می‌شود که برخاسته از تخیلی ناب و پویاست.

حیرتی در شعر خود جایگاه ویژه‌ای برای تشبیه در نظر گرفته است و با تشبیهات سازگار با موضوعات کتابش، شعر خود را گاهی جذاب و دلنشین می‌کند. او از انواع تشبیه بهره برده است. اگر از تشبیهات شعر او در کتیب معجزات میانگین گرفته شود، یک‌سوم آن‌ها تشبیه بلیغ و دوسوم، تشبیهات مجمل یا مفصل یا مؤکد است.

تشبیه بلیغ:

پیمبر جای در ضلع احد ساخت در آن جانب لوای عزت افراخت
چو ما در خانه و در حصن باشیم به تیر کین، دل ایشان خراشیم
(همان: ۶۶پ)

تشبیه مفصل و مؤکد:

زن و مرد و بزرگ و خرد مردم برون آیند همچون ماه و انجم
(همان)

تشبیه مجمل:

شه دین ضربتی زد بر سر او که شد همچون دوپیکر، پیکر او
(همان: ۶۵پ)

تشبیه مرکب:

چنان آید به هندو تیغ خونریز که در انگشت افتد آتش تیز
(زرعی، ۱۳۹۲: ۸۷)

استعاره نسبت به تشبیه در این اثر کمتر به کار رفته و بیشتر آن نیز تکراری است؛
به گونه‌ای که به سختی یک استعاره بدیع می‌توان دید.

بگفتا یک زمان نزدیک من آی زبان بر بند و گوش هوش بگشای
(حیرتی، ۹۷۴: ۶۶پ)

که در خون‌اند از تیغش دلیران زبون پنجه اویند شیران
(همان)

منم آن نخل این دیرینه گلزار که گل بار آورم از چشم خونبار
... منم آن لاله خونین در این باغ که در خون است از زخم دلم داغ
(زرعی، ۱۳۹۲: ۷۰)

بسامد کنایه نسبت به مجاز و استعاره بیشتر و نسبت به تشبیه کمتر است. کنایه‌ها نیز بیشتر تکراری و قالبی است؛ البته گاهی کنایه‌های زیبا و بدیع نیز مشاهده می‌شود.

در این گرداب مشکن چون حبابم درست آور سبوی بیرون ز آبم
(همان)

و گر ماندی ز منزل وای بر تو فکندی بار در گل، وای بر تو
(همان: ۷۵)

بکش دامن ز گرد عالم گل چرا دامن کشد در خاک، عاقل؟
(همان)

سگ نفس است دامنگیر جانم چه سان بر فعل بد دامن فشانم؟
(همان: ۷۲)

مجاز نسبت به سه گروه قبل شمار بسیار کمتری دارد.

جهان را از ستم وقت امان شد زمان شد آخر و آخر زمان شد
(همان: ۸۵)

جفا تا کی کشیم از بکر و از عمر اغشا بالکرم یا صاحب الامر
(همان: ۸۶)

اگر بد کردم از من بد نماید زبان دشمن به طعن من گشاید
(همان: ۴۰۴)

۵. نتیجه‌گیری

موضوع شاهنامه حیرتی، جنگ‌های پیامبر و بزرگان مذهب شیعه است. حیرتی از میان این حماسه‌های ملی و تاریخی و دینی، به شاهکار فردوسی توجه داشته و شاهنامه خود را به سبب شرح احوال پیامبر اسلام^(ص) و ائمه شیعه^(ع)، بهتر از آن یافته است. از کتیب معجزات (شاهنامه حیرتی) تاکنون یازده نسخه خطی شناخته شده است که در کتابخانه مرکزی، کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، کتابخانه مجلس، مرعشی نجفی،

علامه طباطبایی شیراز و مرکزی و ثقة‌الاسلام تبریز نگهداری می‌شود. این منظومه از نظر ادبی درجه متوسطی دارد. از ویژگی‌های درخور توجه آن، انتخاب بحر هزج مسدس برای یک اثر حماسی است. کاربرد آیات و احادیث بسیار با شیوه خاص، از امتیازهای دیگر این منظومه است.

خشم و نفرت و تعصب بیش‌ازحد حیرتی به‌طور مستقیم در تعبیرها و واژه‌ها و حتی صورخیال او بازتاب یافته و همین اعتبار شاهنامه او را خدشه‌دار کرده است؛ اما کتیب معجزات افزون بر مقام ادبی، از دو جنبه تاریخی و مذهبی ارزشمند است؛ زیرا منبعی غنی از تاریخ پیامبر و امامان و زندگی شخصی و سیاسی و اجتماعی آن بزرگواران است و این اطلاعات را به‌خوبی به مخاطب خویش منتقل می‌کند. بررسی کامل این اثر، واقعیت‌های ناب و جالبی را از آغاز اسلام به دست می‌دهد. این اثر همچنین برای شناخت بیشتر ادبیات عصر صفویه مؤثر است. تصحیح انتقادی این متن با حوصله و دقت علمی و انتشار و معرفی مطلوب آن، در شرح سیر اندیشه مذهبی و دگرگونی حماسه‌های دینی نقش مؤثری می‌تواند داشته باشد.

منابع

۱. آقابزرگ طهرانی، محمد محسن (۱۳۳۳/۱۳۵۵ق)، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، جلد ۹، تهران: چاپخانه مجلس.
۲. براون، ادوارد (۱۳۴۱)، *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: مروارید.
۳. جعفریان، رسول (۱۳۸۹)، *صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. حیرتی، تقی‌الدین (۹۷۴ق)، *کتیب معجزات*، شماره ۱۱۸۸، کتابت محمدباقر، تبریز:

- کتابخانه مرکزی.
۵. _____ (بی‌تا)، کتیب معجزات، شماره ۱۲۱۳، تبریز: کتابخانه مرکزی.
۶. _____ (۱۳۹۴)، کتیب معجزات، تصحیح یوسف بیگ‌باباپور، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۷. دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۳۹)، «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۸، شماره ۱، ۳-۵۲۶.
۸. _____ (۱۳۵۰)، «یک پرده از زندگانی شاه‌طهماسب صفوی»، جستارهای ادبی، شماره ۲۸، ۹۱۵-۹۹۷.
۹. دبیری‌نژاد، بدیع‌الزمان (۱۳۸۰)، «افتخارنامه حیدری (معرفی حماسه‌های دینی ایران)»، نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری «کتاب ماه هنر»، شماره ۳۱ و ۳۲، ۸۶-۸۹.
۱۰. درایتی، مصطفی (۱۳۹۰)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، جلد ۲۶، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. زراعی، رقیه (۱۳۹۲)، تصحیح نیمه نخست «کتیب معجزات» بر اساس چهار نسخه، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
۱۲. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶)، صور خیال در شعر فارسی، چ ۳، تهران: آگاه.
۱۳. _____ (۱۳۶۸)، موسیقی شعر، چ ۲، تهران: آگاه.
۱۴. _____ (۱۳۸۰)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران: سخن.
۱۵. شمشیرگرها، محبوبه (۱۳۸۹)، «بررسی سبک‌شناسانه حماسه‌های دینی در ادب پارسی»، فصلنامه تاریخ ادبیات، شماره ۶۴/۳، ۶۰-۱۳۳.
۱۶. شهبازی، اصغر (بی‌تا)، «حماسه‌سرایی دینی در ادب فارسی»، آینه میراث، شماره ۵۵،

۱۸۳-۲۱۰.

۱۷. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۶)، خلاصه تاریخ سیاسی-اجتماعی و فرهنگی ایران از آغاز تا پایان عهد صفوی، تهران: امیرکبیر.

۱۸. _____ (۱۳۶۳)، حماسه‌سرایی در ایران، چ ۴، تهران: امیرکبیر.

۱۹. _____ (۱۳۷۳)، تاریخ ادبیات ایران، تهران: انتشارات فردوس و نشر اندیشه.

۲۰. گلچین معانی، احمد (۱۳۴۶)، شهر آشوب در شعر فارسی، تهران: امیرکبیر.

۲۱. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۷)، «حیرتی تونی شاعر اهل بیت»، مشکوة، شماره ۱۴۲۱،

۱۰۴-۱۱۷.